

ترنم احسا سرد  
سفر عتبات عالیات عراق

www.ketab.ir

مؤلف: ناصر صبا

سرشناسه : صبا ، ناصر .  
عنوان و نام پدید آور : ترنم احساس در سفر عتبات عالیات عراق / مولف ناصر صبا .  
مشخصات نشر : تهران : ناصر صبا ، ۱۳۸۹ .  
مشخصات ظاهری : ۲۶۴ ص .  
شابک : 978-964-04-5525-8  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴  
موضوع : شعر مذهبی -- قرن ۱۴  
رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ق ۴ ت ۲۲۲ ب / PIR۸۱۳۱  
رده بندی دیویی : ۸۵۱/۶۲  
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۴۵۱۸۹

## ترنم احساس در سفر عتبات عالیات عراق (ناصر صبا))

ر ناشر : مولف ر طرح روی جلد : روح الله رمضانی  
ر حروفچینی و تنظیم صفحات : نیایشگران  
ر نوبت چاپ : اول ، بهار ۱۳۹۰ ر شمارگان : ۱۵۰۰ جلد  
ر لیتوگرافی : ۱۲۸ ر چاپ و صحافی : دانش پژوه

شابک : ۵۵۲۵-۸-۹۶۴-۹۷۸-۰۴-۹۷۸  
ISBN : 978-964-04-5525-8

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به مولف است

## فهرست مطالب

- |                                   |                             |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| ۵۲ - پاسخ جناب آقای زرهانی        | ۱ - مقدمه                   |
| به شعر باز نشستگی (قسمت اول)      | ۵ - سفر به عراق (۱)         |
| ۵۳ - تقدیم به جناب آقای زرهانی    | ۹ - سفر به مهران            |
| ۵۵ - پاسخ جناب آقای زرهانی        | ۱۳ - سفر به شلمچه           |
| به شعر صبا (قسمت دوم)             | ۱۷ - سفرنامه توس (۱)        |
| ۵۶ - اوضاع عراق                   | ۱۹ - سفرنامه توس (۲)        |
| ۵۷ - واژه صبا                     | ۲۱ - جام ولا                |
| ۵۹ - سفرنامه مرزی                 | ۲۳ - جام اکسیر              |
| ۶۳ - نجوای عاشقانه                | ۲۵ - سفر به عراق (۲)        |
| ۶۵ - نجوای دل                     | ۲۷ - فیض سعادت              |
| ۶۷ - تحفه سفر                     | ۲۹ - نجوا با حسین (ع)       |
| ۷۰ - سمینار حسین (ع)              | ۳۱ - شب میلاد               |
| ۷۳ - اجر افزون                    | ۳۲ - حادثه خونبار کاظمین    |
| ۷۵ - نوکر خانه زاد                | ۳۴ - سفر به عراق (۳)        |
| ۷۶ - سفر در صفر                   | ۳۷ - لیالی قدر              |
| ۷۸ - حبیب بن مظاهر                | ۳۹ - درد دل با مولا علی (ع) |
| ۸۱ - التهاب اربعین                | ۴۰ - مژده بازگشائی          |
| ۸۳ - اتحاد و انسجام               | ۴۱ - کعبه دل                |
| ۸۴ - در پاسخ به تک بیت آقای ذاکری | ۴۲ - یا حسین (ع)            |
| ۸۵ - در وصف شیخ رحمانی            | ۴۴ - مشکلات مرز مهران       |
| ۸۶ - در حاشیه دیدار               | ۴۷ - گزارش بازدید از عراق   |
| ۸۷ - فوز سعادت در ایام شهادت      | ۴۹ - فریاد دل               |
| ۸۹ - حر نیکو سرشت                 | ۵۰ - دوستان باز نشستگی      |

- ۹۲ - سفر در اعیاد شعبانیه
- ۹۵ - ندای صبا
- ۹۷ - از نجف تا کاظمین
- ۹۹ - عقد تفاهم
- ۱۰۳ - ضیافت افطار
- ۱۰۵ - شاعر گمنام
- ۱۰۶ - خیمه رمضانیه
- ۱۰۸ - تفاهم نامه نو
- ۱۱۱ - ایام عرفه
- ۱۱۵ - مددکاران زوار
- ۱۱۷ - سفر به دزفول
- ۱۱۹ - بحران نوروزی
- ۱۲۱ - نجوای نجف
- ۱۲۴ - محتاج سفر
- ۱۲۸ - غمنامه
- ۱۳۲ - قصر شیرین
- ۱۳۵ - اجتماع یا بانگ
- ۱۳۷ - فرهنگ زیارت
- ۱۴۳ - مناجات رمضانیه
- ۱۴۵ - سفر نامه بغداد
- ۱۵۰ - رضائیان نامه
- ۱۵۳ - گفتگو با خون خدا
- ۱۵۶ - ضرب المثل سفر (طنز)
- ۱۶۱ - مرگ دوست در حریم اوست
- ۱۶۳ - همسفر با عدنان و عبدالکریم
- ۱۶۶ - قرار داد معطر
- ۱۶۸ - منتظر قائم
- ۱۷۰ - سفر اربعین
- ۱۷۶ - سفر با ماهان
- ۱۸۰ - همدلی با زائران
- ۱۸۴ - سفر نامه عید نوروز
- ۱۸۷ - از ری تا کربلا
- ۱۹۳ - تعاون در عتبات
- ۱۹۸ - یا علی (ع)
- ۲۰۱ - فریاد فرماندار
- ۲۰۵ - قبله گاه عاشقان
- ۲۱۰ - قدر سفر در سفر قدر
- ۲۲۰ - چیکا
- ۲۲۴ - جذابه بستان
- ۲۲۹ - مرز بی همتا
- ۲۳۴ - سفر تنها
- ۲۴۱ - مشکلات زائران عتبات عالیات عراق
- ۲۴۶ - در صف راهنمایان کاروانها
- ۲۴۷ - زینب (س) در اربعین
- ۲۵۱ - اربعین در کربلا
- ۲۵۴ - کار مضاعف

## بسم الله الرحمن الرحيم

به نام تو که ما را انسان آفریدی و برآفرینش خود آفرین گفتی .  
به نام تو که فرمودی:

من نکردم خلق تا سودی کنم      بلکه تا ببرندگان جودی کنم

به نام تو که کعبهٔ گِل را برای آرامش دل آفریدی

و به نام تو که ما را بر سفرهٔ عترت نشاندی و طعم محبت اهل بیت (ع) چشاندی .

سالهای متمادی که به عنوان معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران مشغول خدمت بودم برحسب وظیفه شغلی با شاعران و هنرمندان زیادی آشنا شدم که هر از گاهی با حضور در محافل ادبی و شب شعرهایی که به مناسبت های گوناگون در سطح استان تشکیل می شد شرکت نموده و از گوشه کنار نیز اشعار خوب شاعران را جمع آوری و کَشکول می کردم که روزگاری (( کَشکول صبا )) در مازندران معروف و همیشه مصداق این شعر بودم .

حاصل عمرم سه سخن بیش نیست      خام بُدم ، پخته شدم ، سوختم

شاید در فصل پختگی بود که از طرف سازمان حج و زیارت به کشور سوریه اعزام و مدت

۵ سال در جوار شیر زن قهرمان کربلا حضرت زینب (س) و طفل خرابه نشین خورشید  
 عاشورا حضرت رقیه (س)، با خود زمزمه هایی داشتم و در حرمین، پیرانه سر آرزوی  
 کربلا می کردم و به پای بوسی حضرت امام حسین (ع) ملتمس دعا بودم که به حمدالله  
 این مراد حاصل شد و آنچه طلبیدم از دختر سه ساله حضرتش دریافت نمودم و با  
 دوستان دمشق ام این گونه خداحافظی کردم :

|                                                                                   |                                      |
|-----------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------|
| بدانید دوستان، اجرت گرفتم                                                         | به ایامی که ساکن در دمشق             |
| همان شهری که سجاد(ع) خطبه خوانده                                                  | صباراسوی ارض طف کشانده               |
| همان جایی که زینب(س) خواهری کرد                                                   | صبا را عازم بابش علی(ع) کرد          |
| اگر این حکم از دولت گرفتم                                                         | یقیناً از خدا خلعت گرفتم             |
| خداوندی که عزت داد ما را                                                          | ز بعد شام بینم کربلا را              |
| و به آن دسته از دوستانی که خیرخواهانه مرا از رفتن به عراق و ادامه خدمت در آنجا به | دلیل خطرات جانی منع می کردند، گفتم : |
| دوستان، از شام آهنگ سفر دارد صبا                                                  | عزم دیدار علی(ع) صد بال و پردازد صبا |
| بهر یاری کردن زوار دشت نینوا                                                      | از خطر تا مرز رحلت هم خبردارد صبا    |
| گرشهادت شدنصیب ناصربی دست و پا                                                    | این سعادت رابه از عیش سفردارد صبا    |
| خادم دین است و باکی هم ندارد از عدو                                               | باقی خدمت به ارض طف نظر دارد صبا     |

گرچه دنیا بی فروغِ حجت دلها شب است      هر زمان شامِ غریبانس سحر دارد صبا

با رقیه کرده نجوای فراوان در حرم      از دلِ غمدیده زینب(س) خبر دارد صبا

بی قراری می کند بهر حسین بن علی(ع)      کی به جان خود هراسی از خطر دارد صبا

بعد از آنی که گردِ غُربتِ جان را در حریم کبریائی زینب کبری تکانده ام و با استجابت  
دعای طفلِ بابِ الحوائج کربلا دست تو ستل به سوی پدرش دراز کردم و توفیق نوکری  
مشهد و بارگاه دوست در کربلای معلی نصیبم شد ، بر خود بالیدم و قبل از خارج شدن  
از دمشق ، در حرم حضرت رقیه (س) اینگونه نجوا نمودم :

یا رقیه(س) ، مزدِ کارم داده ای      نزدِ بابایست قرارم داده ای

در جوارت پنج سالم طی شده      عازم آنجا که سر بر نی شده

گرچه حکم نوکری بر خویش تو ست      می روم امادِل من پیشِ تو ست

یا رقیه(س) ، تو براتم داده ای      تشنه ام ، آب جیاتم داده ای

بر آن شدم که از خاطرات خدمتم در عراق ، از لحظه ورود هیئت عراقی به ایران و ورود  
هیئت ایرانی به عراق و مذاکرات منتهی به بازگشایی راه عتبات عالیات و زمزمه هایی که  
تابحال داشته ام ، اشعاری نظم گونه بسرایم و اگر شاعر خوبی نشدم ناظم خوبی بوده و  
با زبان نظم نعلابی از رشحات قلم را پخش کنم .

در انتظار آن مُنْجی و ناشر عدالت جهانی روز شماری می کنم و امیدوارم این سروده ها ،  
ره توشه ای برای آخرت این ناچیز محسوب شده و از شما عاشقان مکتب ولایت و امامت  
نیز التماس دعای خیر دارم .

ناصر صبا : اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹

www.ketab.ir